برادر علی شمخانی بخواند

بعد از پایان جنگ تحمیلی عراق بر ایران به نمایندگی ازغرب وحشـی و حمایت بی‌دریغ آنان و حاکمان دنیاپرسـت کشورهای عربی و شـرقی، علی‌القاعده فراغتی بـرای فرماندهان سـپاه پاسـداران پیش آمد تـا رویکرد خود را در نسـبت جدید با نقش‌آفرینی در بازسـازی و ایفاء رسالت انقلابی تعریف کنند، چرا که مجموعه افراد سـپاه از کسانی بودند که نقش و حضور خود را در حفاظت از انقلاب و تلاش در به بار نشستن شعارها و اهداف انقلاب تعریف می‌کردند لذا ضرورتی به حضور در جبهه سـخت برای مدت طولانی نداشـته و با روحیه تعدادی از آنان نیز سازگاری نداشت و حضور در جبهه را از باب ضرورت پذیرفته بودند. حال پس از گذشـت بیش از سه دهه از پایان آن نبرد، رویکردها با محک تجربه و عملکرد مستند خودنمائی می‌کند. این رویکردها را می‌توان در سه گروه طبقه‌بندی و نشان داد.

گروه اول کسـانی بودند و هسـتند که با رویکرد مجاهدانه و ایثارگرانه در صف اول مجاهدت مواضع خود را حفظ و تقویت کردند و همچنان آماده فداکاری تا مرز شهادت هستند. این گروه با بی‌اعتنائی به سایر حوزه‌ها رسالت خود را در صف جهاد دیدند تـا بتوانند به فرمایش علی(ع) که «الجنود بـاذن الله حصون الرعیه» حصن حصین جمهوری اسـلامی را در مقابله با دشـمنان انقلاب اسلامی در جنگ سخت ونرم همواره عزیز و مقتدر حفظ نمایند. در نظر این گروه تهدید سـخت هیچگاه از روی میز دشـمن کنار نرفته ودشـمنان کماکان منتظر سخت آزمائی در میدان نبرد هسـتند لذا باید کاری کرد که دشـمن در جنگ سخت همچنان موازنه قدرت را به نفع خود تصور و باور نکند. اینان با ایمان به نصرت الهی و باور به اخلاص در جهاد فی‌سـبیل‌الله مآل آرمانی خود را در انجام این نوع تکالیف و شهادت می‌دانند. نمونه بارز مردان این گروه شهید قاسم سلیمانی بود.

گروه دوم سـپاهیانی بوده وهسـتند که نقش انقلابی خود را در ساحتهای دیگر جسـتجو میکردند بدون اینکه در زمان جنگ تحمیلی چنین فکر و اندیشه‌ای داشته باشـند. آنـان چون تکلیف خـود را حضور در جبهـه تا پایان نبرد، تکلیف شـرعی میدانستند،پایان جنگ وخود نمائی مشکلات خاصه در حوزه‌های اجرائی، اقتصادی، سیاسـی و... کشورآنان را برآن داشـت تا قلمرو حضور وتأثیر خود را در این بسترها شناسائی، تعریف واقدام نمایند. لذا عده‌ای به سایر بخشها ومراکز مامور شدند وسعی بلیغ در برداشـتن گام‌های مهم نمودند وبحق حضور آنان مؤثر بود و رایحه معنوی مدیریت این افراد که از جهاد فی‌سبیل‌الله بهمراه داشتند هرحوزه کاری را عطرآگین می‌کرد وروابط برادرانه محیط جبهه را حاکم وتقویت می‌نمود از این نمونه‌ها تقریبا در همـه بخش‌های کشـور میتوان سـراغ گرفت و ارائه خدمـات و مجاهدت آنان فرصت دیگری را می‌طلبد شکرالله مساعیهم الجمیله.

گروه سـوم کسـانی بودند که در قامت مردان سیاسـت واقتصاد مسـائل کشور را تحلیـل و راهکار ارائه می‌دادند و حل مشـکلات کشـور را همچون خاطره فتح جبهه‌هـا آسـان وپر ثمر می‌نمودند. از دیدگاه این گـروه از اولویت حضور در بخش نظامی کاسـته و به بخش‌های دیگر اضافه شـده است. به عبارت دیگر حوزه نیاز و تهدید فرق کرده است، تشکیل حزب، تأسیس روزنامه، ایجاد بنگاه‌های اقتصادی و مالی و... رابطه معناداری با نقش آفرینی در شـرایط فعلی دارد و در عین حال خلاء وجود الگو و پیشگام هم روز بروز احساس می‌شود. در این دیدگاه هرکس که نسبت وفادارانه‌ای با نظام و انقلاب دارد باید پیشـگام قبول مسـئولیت باشد و چه کسانی بهتر از مجاهدان جبهه که امتحان خود را ایثارگرانه در میدان نشـان داده‌اند لذا نه تنها هیچ محظوری برای حضور در این حوزه‌ها نیسـت بلکه لازم و واجب اسـت. بعبـارت دیگر عدم حضـور این افراد با مختصات جبهه وجنـگ وروحیه انقلابی به نوعی ترک فعل و واگذاری زمین بازی به نااهلان است.

علی شمخانی در کدام گروه است؟

امیر دریابان علی شمخانی از بقیةالسلف سپاهیان و مجاهدان و امتحان داده‌های جبهه و جنگ اسـت و کارنامـه پرباری از جهاد و خدمـت در بخش‌های اجرایی و راهبـردی نظام دارد. برآیند اعتماد به او از سـوی همه گروه‌هـا و جناح‌ها حاکی از نگاه تعادلی او در زیسـت مدیریتی وسیاسی اوست برای شناخت شمخانی تعریف و توصیف کافی نیسـت باید با او همکار و همنشین بود تابحق گفت و نوشت توفیقی که چند سـالی نصیب نگارنده بوده است. شجاعت در میدان، شهامت در بیان، ذهن تحلیل‌گـر، صداقت و گریز از نمودها و تأکید بر بودهـا یعنی بی‌نقش وتکلف، نگاه جامع به مسائل، رفیق نواز، خطرپذیر، سعه صدر در مدیریت، تحمل پذیر، مدیرپرور، مسجدسـاز و مسـجد دوسـت و... از خصوصیاتی هسـتند که من از او سراغ دارم وامیدوارم امروز که بعنوان یک کهنه سربازومشحون از تجارب است این خصوصیات فرایند ومراحل کمال وتمام خودش را طی کرده باشد.

اما شـمخانی درکدام یک از سه گروه مذکور اسـت او ازجمله افراد نادری است که توانسـته خصوصیت هر سه گروه را با شـدت وضعف در خود داشته باشد. شاید در ذهن کثیری از مردم او همچنان رزمنده بسـیجی، سپاهی و امیر باشد وشناختی از سایر فعالیتهای او نداشته باشند وخاطره فرماندهی نیروی زمینی سپاه وحضور در نیروی دریائی ارتش ووزارت دفاع را در ذهن خود مجسم کنند.وکسانی او را بواسطه مسـئولیتهای سـتادی خارج از نیروهای مسلح بشناسـند ولی امروز جمع کثیری از مردم بواسطه فضای مجازی آقای شمخانی را در جبهه اقتصادی می‌شناسند اگرچه حضور او همانند تعداد قابل توجهی از صاحب منصبان ارشد نظام در بخش اقتصادی در سـایه است و فرزندان وخویشان حضور مسـتقیم آنان را غیر ضرور نموده است. این از آثار عصر اطلاعات وانفجار اطلاعات است که کره زمین را به مثابه یک خانه با دوربین مدار بسته، تصویر نگاری می‌کند و لحظاتی بعد به نمایش میگذارد که در نوع خود بسی مطلوب است اگرچه بدور از آسیب و تهدید نیست. آقای شمخانی بجد از جمله افرادی است که با استناد به شکل اول منطق و برهان ارسطوئی حضور خود و فرزنـدان جبهه وجنگ را در فعالیت‌های اقتصادی ضروری، شـرعی و یک عمل انقلابی می‌داند یعنی اینکه کشـورگرفتارجنگ اقصادی و تحریم‌های ظالمانه است (صغرای قضیه) وکسانی توانائی و شایستگی حضور در این جبهه را دارند که امتحان داده و کشور را از جنگ تحمیلی نجات داده‌اند و به نظام و انقلاب باور دارند نظیر ما (کبرای قضیه) پس ما نسـبت به حضور در این جبهه وظیفه داریم (نتیجه). بنابراین حضور در جبهه اقصادی نه تنها مذموم نیسـت بلکه ممدوح ومشکور است چراکه با همه وجود درک میکنیم مشـکلات اقتصادی وتحریمها چه بلائی برسر مردم آورده اسـت و فقر بر گروه‌های زیادی از مردم چنان مجسـم نموده اسـت که خوف فتنه کفر وعصیان می‌رود پس آقای شـمخانی و پسـران وامثالهم کار بزرگی انجام داده و می‌دهند وبجای سـرزنش باید مشکور باشند. اما و صد اما که خود آقای شمخانی زیرک نیز می‌داند چرا بازتاب اجتماعی عمل مجاهدانه آنها گونه‌ای دیگر است، چرا مردم بجای تشـکر باید سـرزنش کنند ودر هر محفل ومجلس باید صحبت ایشان و فرزندان وی و سـایرین باشد؟ حقیقت این اسـت که مردم اولا در جریان درست اطلاعات و اطلاع‌رسـانی نیستند وتاکنون ندیده ونشنیده‌اند فعالان اقتصادی کلان، گزارشـی از نقطه آغـاز وفراز و فرود خود را به مردم ارائـه دهند ومدیریت در ابهام وانتظار اینجا هم اثر بد خود را گذاشته است واز طرفی برای مردم قابل قبول نیست به هر دلیل مسئولین وفرزندانشان فعالیتهای اقتصادی بکنند. شاید مفروضشان این است که بدون رانت محال است به این سطح از ثروت برسند. پس راهکار چیست؟ راهکار این اسـت که بین دو کار یکی را قبول کنند حضور در سـاختار نظام بدون فعالیت اقتصادی ویا حضور در بازار وبخش خصوصی وبدون داشتن مسئولیت. شاهد زنـده این مقوله رفتار وداب مقام معظم رهبری اسـت. مگـر ما مدعی اطاعت از او نیسـتیم! حوزه اطاعت شـامل قول، فعل و تقریر رهبری است و از این حیث حجت را بر همه تمام کرده است.

من به برادر عزیز شـمخانی عرض میکنم فعالیـت اقتصادی الزامات والتزامات خود را دارد چون خود را اولی از دیگران به نصیحت میدانم به ایشـان و همردیفان ایشـان درکشوری ولشکری توصیه می‌کنم تکلیف خود را از حیث فعالیت اقتصادی روشـن کنید وافکارعمومـی را با اصلاح امور اقناع کنید. بـرای مردم قابل پذیرش نیسـت وقتی چندین دهک تا پایان عمر امکان تهیه مسکن ندارند، بیش از شصت میلیون نفر یارانه بگیر هسـتند، مشـکلات اقتصادی از جمله پاشنه آشیل‌های نظام اسـت، سن ازدواج بالا رفته است ودهها مشکل وآسیب ذهن مردم را مشغول کرده اسـت مشاور بالاترین فرد کشور مجلس عروسی خود را در هتل کذائی بر گزار کند و ما را در پاسـخگوئی به این مقولات ناگزیر به نوشتن این نصیحت نامه بکند. اگر این مجالـس را ثروتمندان بخش خصوصی برگزار کنند که می‌کنند مگر اشـکالی دارد؟ مهمترین پشتوانه ما در حدوث وبقاء انقلاب اسلامی، مردم بوده و هستند واین توصیه امام خمینی(ره) نیز هسـت، پس هوای مردم را داشـته باشیم. امیدوارم برادر عزیزم علی شمخانی از نصیحت دوست خود نرنجد و این نوشته را تذکری بداند که دلسوزانه تقدیم او می‌شود وذکّر فان الذّکری تنفع المؤمنین.

والسلام

یدالله حبیبی نماینده سابق ولی‌فقیه در وزارت دفاع

همبستگی دانشجویان ایران با خیزش دانشجویی در آمریکا و اروپا علیه جنایات صهیونیست‌ها در غزه

دانشـجویان و اسـاتید ایرانـی روز گذشـته هم‌صـدا با دانشـجویان آزادیخواه آمریکا و اروپا که علیه جنایات رژیم صهیونیستی دست به اعتراض زده بودند، با برپایی تجمعاتی در دانشگاه‌های سراسر کشـور، ضمن اعلام حمایت از این دانشجویان، برخورد خشن پلیس آمریکا را محکوم کردند.

این اعتراضات دانشجویی علیه جنگ تمام عیار اسرائیل و جنایات صهیونیست‌ها در حق مردم غزه در سراسر آمریکا ادامه دارد و گستره آن به اروپا نیز کشیده شده است.

در همیـن رابطـه اسـاتید، دانشـجویان و کارکنـان دانشـگاه‌های ایران برای حمایت از اعتراضات دانشجویان، اسـاتید و کارکنان دانشـگاه‌های آمریکا در پی جنایت‌های اخیـر رژیم صهیونیسـتی در غـزه که به حمایـت جهانی دانشگاهیان و مراکز علمی و فرهنگی جهان منجر شد، روز گذشته تجمع اعتراضی برگزار کردند.

در تجمعی که دانشـجویان، اسـاتید و کارکنان دانشگاه صنعتی امیرکبیر در حمایت از خیزش دانشجویان در آمریکا برگزار کردند، علیرضا رهایی، رئیس این دانشگاه گفت: بعد از هجوم وحشـیانه رژیم صهیونیسـتی و استکباری به ملت سـتمدیده فلسطین، شـاهد شـهادت تعداد زیادی از مردم بی‌گناه فلسـطینی بودیم، بعد از این جنایت موج جدیدی از بیداری در کشورهای اروپایی و آمریکا در میان دانشگاهیان شکل گرفت.

وی بـا اشـاره بـه وظیفـه دانشـگاهیان در حمایت از دانشجویان آزادی‌خواه آمریکا بیان کرد: برگزاری راهپیمایی و تحصن در فضای دانشگاه نقش مهمی در حمایت از مردم فلسـطین و دانشـجویان حامی مردم بی‌گناه فلسطین دارد، دانشـگاه به عنوان ساحت علم ورزی و تأثیرگذار بر وضعیت کشور نقش مهمی در روشن نگه داشتن چراغ دفاع از مردم فلسطین دارد.

همچنیـن دانشـجویان دانشـگاه علم و صنعـت نیز در حمایت از دانشـجویان آمریکایی و اروپایی تجمعی اعتراض آمیز برگزار کردند.

دانشـجویان دانشـگاه‌های هنری تهـران در حمایت از دانشـجویان آزادی خواه حامی فلسـطین در حیاط دانشکده هنر دانشـگاه سـوره تجمع کردند.در این تجمع دانشجویان ضمن ابـراز همدردی با مردم غزه، حمایـت خود را ازاقدام ضد صهیونیسـتی دانشجویان دانشـگاه‌های آمریکا و اروپا اعلام کردند.

دانشـجویان و اسـاتید دانشـگاه علوم پزشـکی قم در حمایت از مردم مظلوم غزه و نیز خیزش دانشـجویان بیدار دانشـگاه‌های آمریـکا و اروپا و محکوم کـردن اقدام پلیس آمریکا در ضرب و شـتم و بازداشت دانشـجویان و اساتید، پس از اقامه نماز ظهر در مسـجد فاطمه الزهرا(س) مجتمع پردیس شـهید قاضی دانشـگاه تجمع و با شـعارهایی این اقدامات را محکوم کردند.

تجمع دانشـگاهیان دانشگاه‌های استان کرمانشاه نیز در حمایت از خیزش دانشـجویان آمریکایی معترض به جنایات رژیم صهیونیستی، برپا شد.

دانشجویان و استادان دانشـگاه تبریز نیز در محکومیت عملکرد دولت ایالات متحده آمریکا در برخورد با دانشجویان آزادی خـواه حامی فلسـطین تجمـع کردند.دانشـجویان شـرکت‌کننده در این تجمع همبستگی خود را با دانشجویان آمریکایـی و اروپایـی که از مردم مظلوم فلسـطین حمایت می‌کنند، اعلام کردند.

با حضور جمعی از اساتید، کارکنان و دانشجویان دانشگاه ارومیه، تجمع دانشـگاهیان دانشـگاه ارومیـه در حمایت از دانشـگاهیان معترض آمریکا و اروپا نسـبت به نسل کشی و جنایات رژیم صهیونیستی برگزار شد.

دانشـگاهیان در این تجمع با شـعارهای مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسـرائیل از دانشـگاهیان معترض آمریکا و اروپا نسـبت به نسـل کشـی و جنایات رژیم صهیونیسـتی در فلسطین اشـغالی، حمایت کردند و خواسـتار آزادی هر چه زودتر فلسطین اشغالی و پایان جنگ در غزه شدند.

دانشگاه‌های استان خوزستان همزمان با سراسر کشور، در حمایت از اسـاتید و دانشـجویان معترض آمریکایی نسبت به جنایات رژیم صهیونیستی، در دانشگاه‌های خود تجمع کردند. در این تجمع‌ها دانشـجویان و اساتید خوزسـتان، با سردادن شعارهایی حمایت خود را از دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های آمریکایـی که به دلیل حمایت از مردم مظلوم فلسـطین مورد ضرب و شتم پلیس آمریکا قرار گرفته‌اند، اعلام کردند.

تجمع دانشـگاهیان شـهید چمران اهـواز در حمایت از خیزش سراسری دانشگاه‌های آمریکا علیه رژیم صهیونیستی و حمایت از مردم مظلوم فلسـطین، پس از اقامه نماز ظهر و عصر هم‌زمان با دانشگاه‌های سراسر کشور در محل یادمان شهدای گمنام این دانشگاه برپا شد.

همچنین تجمع‌های مشـابهی در دانشـگاه‌های صنعتی خاتم الانبیاء بهبهان، علوم پزشـکی آبادان، علوم پزشـکی دزفول نیز برگزار شد.

تجمع «شَرف مرز ندارد» با حضور دانشگاهیان دانشگاه بوعلی‌سینا همدان در دفاع از حرکت دانشجویان آمریکایی در حمایت از مردم مظلوم غزه، در مورد خیزش این دانشـگاه‌ها علیه نسل‌کشی و کودک‌کشی در نوار غزه برگزار شد.

دانشگاهیان دانشـگاه بجنورد همزمان با سراسر کشور، در اعلام همبستگی با دانشـگاهیان آمریکایی و اروپایی در حمایت از مردم مظلوم و بی‌گناه غزه تجمع کردند.

ایـن تجمع دیـروز مقابل سـاختمان مرکزی دانشـگاه بجنورد شکل گرفت و در آن، دانشجویان، مدیران، اساتید و روسای دانشکده‌ها حضور داشتند. در این تجمع، دانشجویان شعار مرگ بر اسـرائیل،مرگ بر انگلیس، مرگ بر آمریکا و الله‌اکبر سر دادند.

جامعه دانشـگاهی گلسـتان با برگزاری تجمعی حمایت خود را از دانشـجویان آمریکایی معترض بـه جنایات رژیم صهیونیستی در غزه اعلام کردند.روز گذشته نیز دانشجویان و اساتید در برخی از دانشگاه‌های گلستان با برگزاری تجمع حمایت خود را از تجمع دانشجویان معترض آمریکایی اعلام کرده بودند.

اسـاتید، کارکنان و دانشجومعلمان دانشـگاه فرهنگیان اردبیـل در حمایـت از خیـزش وجدان‌هـای بیـدار جامعه دانشـگاهی آمریکا و کشـتار مردم مظلوم فلسـطین توسط رژیـم جعلی اسـرائیل و حمایت‌هـای آمریـکا از این رژیم کودک‌کش با شعارهای مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل و مرگ بر انگلیس اقدام پلیس آمریکا را محکوم کردند.

دانشگاهیان دانشگاه یزد همزمان با دیگر مراکز آموزش عالی کشـور، ظهـر روز گذشـته در حمایـت از اعتراضات دانشـجویان، اسـتادان و کارکنان دانشـگاه‌های آمریکا از جنایت‌هـای اخیر رژیم صهیونیسـتی در غزه، در محل این مرکز آموزش عالی دست به تجمع و راهپیمایی زدند.

دانشـجویان و اساتید دانشـگاه گیلان با تجمع در کنار مزار مطهر شـهدای گمنام دانشگاه گیلان اعلام همبستگی خودشـان با تجمعات دانشگاهیان آمریکا در حمایت از مردم مظلـوم فلسـطین و محکومیت برخوردهای خشـن و غیر انسانی پلیس و نیروهای ویژه آمریکا نشان دادند

دانشجویان دانشگاه‌های شهرستان آمل از جمله دانشگاه شـمال در حمایـت از اعتراضات دانشـجویان، اسـتادان و کارکنـان دانشـگاه‌های آمریـکا از جنایت‌های اخیـر رژیم صهیونیسـتی در غزه، در محل مرکز آمـوزش عالی تجمع و فریاد آزادی خواهی سر دادند.

محرومیت زدایی یا تقدیسِ محرومیت؟!

غلامرضا بنی اسدی

فقر و نابرخورداری و محرومیت امروز نه‌تنها ارزش نیست که ضد ارزش هم هست. اگر امام خمینی می‌گفت پابرهنه‌ها و زاغه نشین هایند که پـای انقلاب می‌مانند، ترجیح پابرهنگی و زاغه نشـینی نبود. بَیان حالِ آن روز آحادِ مردمِ جامعه بود، تبیین این که طاغوتَ چنان حُکم رانده بود که مردم گرفتار وضعیتی چنان بودند و به حق بر آن خروشیدند، انقلاب کردند و پای انقلاب هم ایستادند. حـالا بعـد از چهل و پنج سـال که از پیروزی و نظام سـازی انقلاب می‌گذرد، محرومیت، نمره منفی کارنامه ما و نظام تلقی می‌شـود. ما نباید محروم داشته باشیم مگر محرومیت امروز را نسبت به برخورداری امروز سنجه زنی کرده باشیم که این هم بـاز جای اما و اگر دارد. از این منظر فکر می‌کنم گفتن این که مناطق محروم بیشـتر رای می‌دهند و پای کار انقلاب هستند، ریشـخند خویش است نه تعریف از مردم محروم ونه تعریف از انقلاب که با رویکر محرومیت زدایی، نظام سازی کرد. یادمان نرفته اسـت که اولیـن نهادهای برخاسـته از انقلاب، با هدف کاسـتن از محرومیت‌ها و پنجه در پنجه شدن با انواع فقر بنیاد نهاده شـده بود. بنیان گذار جمهوری اسلامی، در عین تکریم مسـتضعفان با هر نوع اسـتضاف و نابرخـورداری مخالف بود. سخن از آبادانی دنیای مردم می‌گفت که آخرت‌شان را هم آباد کند. کمیته امداد، جهاد سـازندگی، نهضت سـواد آموزی، بنیاد مستضعفان، حساب ۱۰۰ امام، بنیاد مسکن و... برای کاستن از قطر فقر بود و تلاش برای محرومیت زدایی. اگر جنگ در انواع تجزیـه طلبی و تجاوز عراق و تروریسـم منافقین و گونه‌های تحریم نبود، قطعا خیلی، خیلی جلوتر بودیم از این که هسـتیم. حتمـا محرومیت جای خـود را به برخورداری مـی‌داد تا حق مردم احیا و احقاق شـود. این که در جاهایی نتوانسـتیم هرگز نخواستن معنا نمی‌شود. حتی با نیت خیر هم نباید کسی چنین برداشـتی داشته باشـد چه رسد که آن را حق بپندارد و به زبان بیاورد. با فقر و محرومیت کسـی راه به رستگاری نمی‌گشاید. راهبردِ حکومت مصلحانه هم فقر ستیزی و ثمره آن بهتر شدن وضعیتِ زندگی مردم اسـت. این گزارش امام علی(ع) نماد تام و تمام عدالت و ایمان است که: "در کوفه همه زندگی مناسب دارند، صاحبان پایین‌ترین شغل‌ها هم نان گندم می‌خورند، خانه و سرپناه دارند، و از آب گوارا (فرات) می‌نوشند." همچنین: "در منطقه تحت حکومت من، کسـی بی‌سـرپناه و بی‌خانه نیست. کسـی دغدغه مسکن ندارد." اگر محرومیت خوب بود که امام علی برای تغییر وضع مردم این همه تلاش نمی‌کرد.

بگذریم، انقـلاب با هدف محرومیت زدایی تمام سـاحتی انجام شـد. راهبرد از اول همین بود که شـرایط زندگی مردم هر روز بهتر از دیروز باشـد. اگر در این مسیر کم توفیقی‌های پر شماری هست، به خاطر کم کاری ماست نه راهبرد انقلاب. سنجیده سخن بگوئیم تا رفتارها به ادب سنجیدگی، توانمند و راه به موفقیت مقصد یابد.

حقابه هیرمند که هنوز داده نشده است

ملت ایران همه حقابه‌ای که از هیرمند باید داده شود را می‌خواهند

عصر ایران – هفته پیش طالبان فقط بخشی از حقابه ایران را از رود هیرمند داد، البته احتمالا از ترس سیل. دولت رئیسی آن را به پای خود نوشـت و گفت با پیگیری‌ها بالاخره حقابه را دریافت کرده. البته شاید رئیس‌جمهور ایران هنوز نمی‌داند که ملت ایران همه حقابه‌ای که از هیرمند باید داده شود را می‌خواهند، نه بخش کوچکی از آن را.

دعوای ایران و افغانستان بر سر آب هیرمند، از ۱۵۰ سال پیش شـروع شد. هیرمند از کوه بابا در افغانسـتان سرچشمه می‌گیرد. بیشـتر از هـزار کیلومتر را طی می‌کند و بـه هامون هلمند یعنی هامـون ایران می‌ریزد. ۴۰ درصد از دلتـای رود هیرمند در ایران اسـت اما بالا دست، افغان‌ها سد کجکی و بند کمالخان را زده‌اند و اگر آب پشـت سد زیاد باشد، آن را به گودزره هدایت می‌کنند. این کارها باعث شـده سیستانی‌ها سهم زیادی از آب رود نبرند و مردم سال‌ها درگیر خشکسالی باشند.

افغان‌ها در ۱۵۰سال گذشـته آب زیادی به ایران نداده‌اند. در دوران قاجـار انگلیس بـه عنوان میانجی تعیین شـد و حقابه‌ای میان دو کشـور مشـخص کرد که اول ۵۰ درصد سهم ایران بود و بعدها به ۳۰ درصد رسـید. با این حال همچنان مشـکل پابرجا ماند. حکومت پهلوی یک معاهده در سال ۱۳۵۱ با افغان‌ها امضا کرد تا ۲۲ متر مکعب در ثانیه آب به ایران برسـد. مقداری اضافه یعنـی ۴ متر مکعب در ثانیه هم تعیین شـد که البته این رقم در سـال‌های کم آبی داده نمی‌شـد. ایران هم تعهد کرد که ادعای بیشتری بر آب هیرمند نداشته باشد.

با وجود این معاهده، افغان‌ها در تمام دهه‌های گذشـته حقابه ایران را نداده‌اند فقط گاهی وقتی بارش‌ها خیلی زیاد بوده، سیلاب از مرز ایران رد شده و به سیستان رسیده. ماده پنجم معاهده سال ۵۱ می‌گوید: افغانسـتان موافقت دارد اقدامی نکند که ایران را از حقابه آن از آب رود هیرمند بعضاً یا کلاً محروم سازد. با این حال تلاش‌های دولت‌ها همیشه بی‌نتیجه مانده است.

بارها میان دولت‌های ایران و افغان جلسـاتی برگزار شد، اما معمولا بهانه افغان‌هاخشکسـالی است، با این حال هیچ وقت به نمایندگان ایران اجازه بررسی میزان اب هیرمند در افغانستان یا پشـت سد داده نشـده درحالی که طبق معاهده، ایران می‌تواند هر زمان که خواست اجازه بررسی میزان آب رود را داشته باشد. حالا دولت می‌خواهد آب را از دریای عمان به سیسـتان برساند. اقدامی که نشـان می‌دهد ایران امید چندانی به حقابه سیستان ندارد. ماده دوم پروتکل شـماره ۲ معاهده می‌گوید اگر راه‌های دیپلماتیـک جواب نـداد دو طرف می‌تواننـد کار را به حکمیت بسـپارند. حالا ایران حاضر شده هزینه‌های سنگین اقتصادی و محیط‌زیسـتی انتقال و شـیرین کردن اب دریا را بدهد اما پای حَکَم را به میان نکشد.

نماینده زابل در مجلس:

مسیر آب هیرمند به ایران همچنان مسدود است

نماینـده زابل در مجلس گفت: اکنون بخشی از آب رودخانه هیرمند منحرف می‌شود و در مسیر طبیعی رود ادامه مسـیر نمی‌دهد بنابراین می‌طلبد دستگاه‌های متولی به این موضوع ورود و مسـیرهای طبیعی انتقـال آب هیرمند را تقویت کنند تا آب بیشتری به حوضه سیستان منتقل شود.

محمد سـرگزی در گفتگو با ایلنـا، درباره تامین آب در حوزه سیسـتان و بلوچستان اظهار داشت: ما در این حوزه ۲ بحـث داریم یکی اینکه تامین آب شـرب حتما باید از منابع داخلی تامین شـود به همین دلیـل پروژه‌هایی برای تامین آب شـرب پایدار برای یک میلیون نفر جمعیت شمال استان سیسـتان و بلوچسـتان از چاه‌های تهلاب، دشـت هامون، هرمک و بندان شـروع شـد. قرار بود این پروژه‌ها تا آذرماه ۱۴۰۲ به پایان رسـیده و عملیاتی شود اما متأسـفانه این اتفاق نیفتاد ولـی در هر حـال بارندگی رخ داد و میزانـی هم آب از هیرمند وارد و فرصتی داده شد که پروژه‌ای را که بایـد در آذر ماه به اتمام می‌رسـید سریع‌تر نهایی شود.

وی افزود: پروژه دوم انتقال آب از تهلاب در شرق زاهدان است که براساس آن ۵۰ میلیون متر مکعب آب به زاهدان و شهرهای منطقه سیستان منتقل می‌شود. این پروژه هم توسط قرارگاه خاتم اجرایی و بودجه‌ای هـم در مجلس برای این موضوع پیش‌بینی شـده و پروژه سوم هم انتقال آب از دریای عمان اسـت. این نماینده مجلـس در ادامه دربـاره حقابه هیرمند تصریـح کرد: به موجـب معاهده ۱۳۵۲؛ افغانسـتان مکلف است در سـال‌هایی که بارندگی نرمال اسـت ۸۳۰ میلیون متـر مکعب آب را بـه ایران تحویل دهـد، در ۲ هفته اخیر بارندگی‌های خوبی در حوضه آبریز هیرمند بوقوع پیوسـت و اکنـون آب خیلی خوبی وجود دارد اما متأسـفانه با انفعال دستگاه‌های متولی از جمله کمیساریای آب هیرمند و وزارت امور خارجه حقابه را دریافت نکردیم.

وی ادامـه داد: اکنـون بخشـی از آب رودخانه هیرمند منحرف می‌شود و در مسیر طبیعی رود ادامه مسیر نمی‌دهد بنابراین می‌طلبد دسـتگاه‌های متولی بـه این موضوع ورود جدی پیدا کنند و مسـیرهای طبیعی انتقـال آب هیرمند را تقویت کنند تا آب بیشتری به حوضه سیستان منتقل شود.

نماینده زابل، ماهیت سـد کمال‌خان را ایجاد انحراف در مسیر آب عنوان کرد و گفت: طی سال گذشته آب از هیرمند وارد ایران شـده اما دریچه‌های آب فقط می‌توانند ۳۰۰ متر مکعب بر ثانیه به سـمت رودخانه هدایت کند در صورتی که حجم سیلاب ۲ هزار متر مکعب بر ثانیه است و مابه‌التفاوت این آب به مسیرهای دیگر منحرف می‌شود.

سخنگوی ستاد انتخابات کشور:

۱۱ هزار و ۵۰۰ شعبه در مرحله دوم انتخابات مجلس فعال است

سـخنگوی سـتاد انتخابات کشور با اشـاره به برگزاری انتخابـات الکترونیـک در مرحلـه دوم انتخابـات مجلس شورای اسلامی در ۸ حوزه، گفت: در تهران برای هر شعبه ۴ صندوق الکترونیکـی و در باقی حوزه‌های انتخابیه برای هر شعبه، ۳ صندوق الکترونیکی در نظر گرفته شده است.

محسن اسلامی با اشـاره به آمادگی وزارت کشور برای برگـزاری مرحله دوم انتخابات مجلس شـورای اسـلامی، گفـت: انتخابات در برخـی از حوزه‌ها به دور دوم کشـیده شـده اسـت. حوزه‌های انتخابیـه تبریز، شبسـتان، میانه، پارس‌آباد، سـمیرم، لنجان، کرج، تهـران، ورامین، بیرجند، مشـهد، آبادان، رامهرمز، خدابنده، زنجان، شیراز، مرودشت، خرم‌آباد، قائمشـهر، ملایر، کرمانشـاه و گنبـدکاووس، ۲۲ حوزه انتخابیه‌ای هسـتند که انتخابـات در آنها به دور دوم کشیده شده است.

وی اضافـه کرد: در این حوزه‌های انتخابیه ۹۰ نفر برای کسب ۴۵ کرسـی باقیمانده مجلس شورای اسلامی با هم رقابت می‌کنند.

سخنگوی ستاد انتخابات کشور با اشاره به شیوه برگزاری انتخابـات در مرحله دوم، تصریح کرد: انتخابات در ۸ حوزه انتخابیه تبریز، تهران، آبادان، شـیراز، کرمانشـاه، خرم‌آباد، قائم‌شـهر و ملایر بـه صورت تمـام الکترونیکـی برگزار می‌شـود. در تهران برای هر شـعبه ۴ صندوق الکترونیکی و در باقـی حوزه‌هـای انتخابیه برای هر شـعبه، ۳ صندوق الکترونیکی در نظر گرفته شده است تا ازدحامی را در شعب مشـاهده نکنیم و رأی‌دهندگان به راحتی و سـهولت رأی خود را به صندوق بیاندازند.

اسلامی با تأکید بر اینکه کسانی می‌توانند در مرحله دوم رأی بدهند که حتما در دور اول در همان حوزه انتخابیه رأی داده باشـند و یا اصلا در کل کشور رأی نداده باشند، گفت: رأی‌دهنده با این پیش فرض وارد شـعبه می‌شود و با ارائه هریـک از مدارک هویتی پنج‌گانه (کارت ملی، شناسـنامه، گذرنامه، گواهینامه و کارت پایان خدمت)، احراز می‌شود.

وی گفت: در حوزه‌های اشـاره شـده، حدود ۱۱ هزار و ۵۰۰ شـعبه داریم، که شامل شعب شهری، روستایی، ثابت و سـیار می‌شود. براساس تجربه‌ای که در مرحله دوم وجود دارد، تعداد شـعب مرحله دوم نسـبت به مرحله اول، کمتر اسـت. البته در این دوره، نظر هیأت‌های اجرایی حوزه‌های انتخابیه را دریافت کردیم و نظر آنها ملاک اصلی ما بود.

اسـلامی با بیان اینکه در خصوص تبلیغـات انتخاباتی نامزدها و سـامانه شفافیت به نامزدها اطلاع‌رسانی شده که حتمـا تبلیغات و هزینه‌های خود را وارد کنند، خاطر نشـان کرد: تبلیغات از بامداد پنجشنبه ۱۳ اردیبهشت آغاز می‌شود و تا پنجشنبه ۲۰ اردیبهشت ساعت ۸ صبح ادامه دارد.

مرحلـه دوم انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شـورای اسلامی، ۲۱ اردیبهشت برگزار می‌شود.

سخنگوی وزارت خارجه:

صدای خردشدن استخوان‌های صهیونیسم به گوش می‌رسد

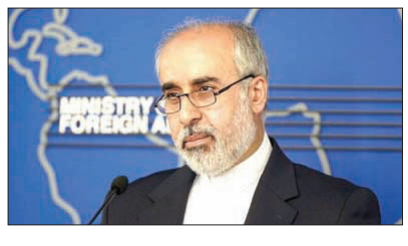

سـخنگوی وزارت امور خارجه کشـورمان در واکنش به تظاهرات‌هـا در کشـورهای مختلف جهان و دانشـجویان آمریکایی علیه رژیم صهیونیسـتی نوشت: صدای خُردشدن اسـتخوان‌های صهیونیسم جهانی بیش از هر زمان دیگری به گوش می‌رسد.

ناصـر کنعانـی در صفحه شـخصی خود نوشـت: نَه به اشغالگری در فلسطین و نَه به نسل‌کُشی در نوار غزه و فریاد برای آزادی فلسطین، امروز یک مطالبه جهانی است. صدای خُردشدن استخوان‌های صهیونیسم جهانی بیش از هر زمان دیگری به گوش می‌رسد. با سرکوب خشونت‌آمیز تظاهرات اعتراضـی دانشـجویان در دانشـگاه‌های آمریـکا و اروپا، نمی‌توان از فروریختن ستون‌های تَرَک‌خورده اشغالگری در فلسطین جلوگیری کرد.هر کس در مقابل آن بماند، زیر آوار فروپاشی صهیونیسم خواهد ماند.